

گرایش‌های حاکم بر فرایندهای ساخت‌واژی در زبان مخفی

دانش‌آموزان دبیرستانی تهران

بلقیس روشن^۱

فرید دهقان طرزجانی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر پی‌بردن به گرایش‌های حاکم بر ساخت‌واژه زبان مخفی و دریافتن این مسئله است که کدامیک از فرایندهای ترکیب، پردازش واجی، اشتقاق، ابداع، کوتاه‌سازی، سرواژه‌سازی، دوگان‌سازی، پسروی و پیوند بیشترین کاربرد را در این گونه زبانی دارد. جامعه آماری مورد تحلیل، کلیه واژه‌های موجود در فرهنگ لغات زبان مخفی سمائی (۱۳۸۲) و روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. پس از بررسی اندیشه‌های هادسن (۲۰۰۰) و ریچاردز و اشمیت (۲۰۰۲) درباره ساخت‌واژه زبان معیار، ساخت‌واژه زبان مخفی بررسی می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از این است که ترکیب نسبت به دیگر فرایندهای ساخت‌واژی بیشترین کاربرد را دارد و پردازش واجی و اشتقاق از نظر کارایی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. در ادامه، ناهمسویی‌هایی در فرایندهای ساخت‌واژی زبان مخفی با زبان فارسی معیار به دست آمد؛ برای نمونه، وندهای سترون و وندهای بدون پیشینه در زبان فارسی معیار، در واژگان زبان مخفی کاربرد دارد.

واژه‌های کلیدی: زبان مخفی، فرایندهای ساخت‌واژی، وندهای واجی، پردازش واجی، زبان فارسی معیار

۱- مقدمه

هنگامی که فرهنگ‌های لغت گوناگون را می‌کشاییم با تعاریف متفاوتی از زبان مخفی^۳ روبرو می‌شویم که هر کدام مؤلفه‌ای را از این زبان برایمان مشخص می‌کند، برای نمونه موارد زیر ارائه می‌شود:

- فرهنگ مختصر آکسفورد ۲ جلدی: زبان نامفهوم، زبان عامیانه یا شیوه بیان خاص گروه یا طبقه‌های خاص.

^۱ - عضو هیئت علمی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام‌نور تهران

sh.melikana@yahoo.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور تهران

tchaikowsky2005@yahoo.com

^۳ - argot

- فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن: اصطلاح‌های غیر رسمی است که گروه خاصی از مجرمان آن را به کار می‌برند.

- فرهنگ وبستر: اغلب به اصطلاح‌ها و واژگان کم و بیش مخفی گروه خاصی، زبان مخفی گویند. تعریف جامع و مانع از زبان مخفی عبارت است از «زبان مخفی ابزار ارتباط گروه‌های خاص اجتماعی است که آن را به منظور پوشیده نگه‌داشتن ارتباطشان از سایر افراد اجتماع به کار می‌برند. این زبان در اصل یک زبان مستقل نیست و یکی از شکل‌ها و گونه‌های زبان معیار است (مهدی سمائی، ۱۳۸۲: ۷). زبان مخفی را می‌توان یک نظام واژگان دانست که همراه زبان معیار وجود دارد. یعنی نظام آوایی و صرفی و نحوی زبان مخفی با زبان معیار مربوط به خود یکسان و فقط در سطح واژگان با زبان معیار متفاوت است (همان: ۸).

این گونه زبانی را می‌توان از ابعاد گوناگون مانند زبان‌شناسی اجتماعی، معنی‌شناسی، تحولات فرهنگی و سیاسی و تحلیل لایه‌های متنی موجود بررسی کرد، ولی آنچه هدف این پژوهش است صرفاً بررسی ساخت‌واژه این زبان است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه واژه‌های مندرج در فرهنگ لغات زبان مخفی (۱۳۸۲) است، این واژه‌ها از میان جوانان دبیرستانی پنج منطقه تهران گردآوری شده است، که بر اساس شمارش پژوهندگان مقاله حاضر، پیکره‌ای حدوداً ۵۱۰ واژه‌ای را به دست می‌دهد. پرسش‌هایی که با انجام این پژوهش در باره فرایندهای ساخت‌واژی ناخودآگاه^۱ در زبان مخفی، به دنبال پاسخگویی به آنهایم، عبارتند از گرایش‌های حاکم بر فرایندهای ساخت‌واژی در زبان مخفی کدامند؟ کدام یک از فرایندهای یادشده در این زبان بیشترین کاربرد را دارد؟

۲- فرایندهای ساخت‌واژی

هادسن^۲ (۲۰۰۰) پیش از آنکه به این فرایندها بپردازد به نکاتی اشاره می‌کند که درخور توجه است. وی ابتدا یادآوری می‌کند که از ویژگی‌های مهم زبان، خلاقیت است. مفهوم این بُعد در تمام زبان‌ها، ساخت مداوم تکواژهای نو است و زبان راه‌های گوناگونی را برای انجام‌دادن این کار در اختیار دارد (همان: ۲۳۹). از دیدگاه او تکواژ نو ممکن است به یکی از شکل‌های زیر باشد:

- معنای نو در شکل نو: به ندرت این اتفاق می‌افتد.

- معنای نو در شکل قدیمی: از این دست موارد فراوانی را می‌توان یافت.

^۱ - طباطبایی (۱۳۸۴: ۱۹۱) بر این باور است که ساختن واژه‌های جدید به دو روش انجام می‌پذیرد: ناخودآگاه و آگاهانه. واژه‌سازی ناخودآگاه را عامه مردم بر اساس شمع زبانی خود به صرافت طبع و بی‌آنکه فرایندهای واژه‌سازی را آگاهانه آموخته باشند، انجام می‌دهند. واژه‌سازی آگاهانه را شخص یا نهاد معینی، با وقوف بر قواعد واژه‌سازی، انجام می‌دهد و حاصل آن معمولاً واژه‌های عالمانه است.

^۲ - G. Hudson

- معنای قدیمی در شکل نو: که شکل نو در نظرگاه وی به دو گونه نمود می‌یابد، نخست شکل‌های نو در نحو؛ که در نظر او نحو منبع غنی و زایای بیان در زبان است. دوم شکل‌های نو در تکواژها، که بیشتر افراد بالغ به این کار دست می‌یازند تا بر خلاقیت خود تأکید ورزند (همان: ۲۳۹-۲۴۰).

هادسن برای اصل نوپدیداری^۱ قائل به محدودیت است و بر این باور است که برتری در بیان معانی نو با شکل‌های قدیمی و در بیان معانی قدیمی با شکل‌های نو است (همان: ۲۴۱). وی دو نوع محدودیت را معرفی می‌کند^۲:

- محدودیت واجی: دستور هر زبانی محدودیت‌های سرسختانه‌ای را بر ترکیب‌های واجی نو وضع می‌کند. تکواژهای نو از الگوهای واج‌شناختی تکواژهای قدیمی یا همان الگوهای پایه‌ریزی شده پیروی می‌کنند.

- محدودیت معنی نو: شاهدهی دال بر اعمال محدودیت زبانی بر اندیشه انسان وجود ندارد، بنابراین امکان بیان معانی نو وجود دارد، اما تنها بیان معنی منسجم^۳ این محدودیت را به وجود می‌آورد. وی شش راه برای بیان کلمه‌های نو در شکل نو معرفی می‌کند:

- کوتاه‌سازی^۴: به اعتقاد هادسن شکل ساخته‌شده از این فرایند جانشین شکل اصلی و طولانی‌تر آن می‌شود، ماند fax به جای facsimile (همان: ۲۴۲).

- سرواژه‌سازی^۵: این گروه را به سه دسته تقسیم می‌کند: نخست سر واژه‌های کلمه‌اند که مانند کلمات معمولی تلفظ می‌شوند، مانند radar (رادار). دوم سرواژه‌های املائی‌اند که همان‌گونه که هجی می‌شوند، خوانده می‌شوند، مانند CIA. سوم سرواژه‌های دو سطحی کلمه‌ای که معنا را در دو سطح سرواژه و کلمه بیان می‌کنند، مانند NOW که هم معنای «اکنون» می‌دهد، هم سر واژه National Organization of Women است (همان: ۲۴۲-۲۴۴).

- پیوند^۶: جانشینی دو کلمه یک عبارت با بخش‌هایی از آن دو کلمه را پیوند می‌نامد و این گروه را نیز به سه دسته تقسیم می‌کند. نخست، از پیوند بخش نخستین واژه‌ای با بخش پایانی واژه دیگر به دست می‌آید، مانند motel. دوم، از پیوند بخش نخست واژه‌ای با شکل کامل کلمه دیگر به دست می‌آید، مانند gorobot. سوم، از پیوند بخش نخست دو واژه به دست می‌آید، مانند sitcom (همان: ۲۴۴).

^۱ - novelty

^۲ - کاتامبا و استونهام (F. Katamba and J. Stonham) ۲۰۰۶: ۷۷-۸۱ علاوه بر محدودیت‌های یادشده از دو عامل دیگر نیز یاد می‌کنند به نام عوامل صرفی که به رفتار متفاوت تکواژهای قرصی اشاره می‌کند و عوامل زیبایی‌شناختی که همانا خوش‌نشینی شنیداری کلمه‌های ساخته شده است.

^۳ - coherent

^۴ - shortening or clipping

^۵ - acronym

^۶ - blending

- تقطیع نادرست^۱: فرایندی نادر می‌داند که در فرایند معمول تحول زبان رخ می‌دهد، مانند lute [که در زبان انگلیسی از واژه عربی العود (ال معرفه‌ساز+ عود) قرض گرفته شد و مورد تقطیع نادرست قرار گرفت]^۲. در این فرایند، جریان گفتار به صورتی نو تحلیل می‌شود(همان: ۲۴۵).
- نوآفرینی^۳: در نظر هادسن، احتمالاً، کلمات نوآفرینی رابطه دلبخواهی و اختیاری یا نمادین صورت و معنا نیستند و منطق پذیرش آنها را گاه بسته به رابطه نمایه‌ای یا تصویری با کلمات اصلی می‌داند. وی برای این پدیده محدودیت‌هایی را برمی‌شمرد؛ مانند نظام واج‌آرایی زبان. به همین دلیل، در اندیشه هادسن کلمات نوآفرینی، کاملاً نو نیستند(همان: ۲۴۵-۲۴۶).
- قرض‌گیری^۳: هادسن این فرایند را واژه‌گیری از زبان دیگر می‌داند و این واژه‌ها را شاهدهی بر نوع روابط فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی میان دو کشور می‌داند(همان: ۲۴۶). واژگان قرضی باید در دو سطح بومی‌سازی شوند: تلفظاً، که منطبق با قواعد تلفظی زبان قرض‌گیرنده است و املاء، مانند جای تکیه‌های موجود بر روی واژه‌های کلمات قرضی از فرانسوی naïve در انگلیسی naïve (همان: ۲۴۷). وی هفت شیوه را برای بیان معانی نو در شکل‌های قدیمی معرفی می‌کند:
- اشتقاق^۴: خلق واژه‌های نو با استفاده از وندهای اشتقاقی مانند اسم‌هایی که با -ment ساخته می‌شوند؛ government (همان: ۲۵۵).
- اشتقاق صفر^۵: آن را تغییر نقشی^۶ یا تبدیل (تغییر مقوله‌ای)^۷ نیز می‌داند مانند کلمه trail که در مقام فعل و اسم به کار می‌رود و در اصل اسم بوده است(همان: ۲۵۷).
- ترکیب^۸: متصل کردن کلمه‌ها به هم و ساختن یک کلمه مانند greenhouse (همان: ۲۵۸).
- بسط‌معنایی^۹: گسترش یا بسط معنای یک کلمه است مانند کلمه red در زبان انگلیسی به معنای «چپ‌گرا و شخصی با باورهای اقتصادی- سیاسی سوسیالیستی» (همان: ۲۵۹).
- تخصیص‌معنایی^{۱۰}: فرایند بر عکس بسط معنایی است مانند واژه band که به گونه‌ای ویژه بر «گروه موسیقی» دلالت می‌کند تا خود «گروه» (همان: ۲۶۰).

1- wrong cutting
 2- invention
 3- borrowing
 4- derivation
 5- zero-derivation
 6- functional shift
 7- conversion
 8- compounding
 9- extension
 10- narrowing

- دوشاخه‌سازی^۱: کلمه یا تکواژ به دو شکل بسط می‌یابد و معنای آن نیز در نهایت بین این دو صورت تقسیم می‌شود. این مسئله از جمله موارد تخصیص معنایی است که بیشتر معنای وسیع و اصلی در یکی از صورت‌ها باقی می‌ماند. دو شکل کلماتی که ممکن است منجر به دوشاخه‌سازی شود، سه نوع است: یعنی ساخت‌واژی، واجی و نوشتاری (همان: ۲۶۲). برای نمونه، می‌توان به دو واژه *guaranty* و *warranty* اشاره کرد، که بر پایه اطلاعات ریشه‌شناسی مندرج در لوح فشرده وبستر ویراست یازدهم و فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی جان آیتو (۱۳۸۵: ۵۸۸) اولی از دومی حاصل شده است.

- پسروسازی^۲: تقطیع نادرست منجر به ایجاد شکلی نو برای معنای قدیمی می‌شود، لیکن اگر تقطیع منجر به معنای نو شود، این همان چیزی است که پسروی می‌نامیم (همان: ۲۶۳).

ریچاردز در فرهنگ لغت «آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی» لانگمن (۲۰۰۲: ۵۸۹) از هفت فرایند در خلق واژگان نو یاد می‌کند که عبارتند از وندافزایی در اشتقاق، وندزدایی در پسروسازی، افزایش در صورت‌های پیوندی^۳، ساخت کلمات مرکب، کوتاه‌سازی کلمه قدیمی، دوگان‌سازی^۴، و ابداع کلمات کاملاً نو؛ در ادامه از دو فرایند دیگر این‌گونه یاد می‌کند «افزون بر این، گاه فرایندهای دیگری نیز بخشی از ساخت‌واژه قلمداد می‌شود؛ وندافزایی در تصریف و استفاده از مقوله‌های دستوری گوناگون^۵ یک کلمه، مانند: *cap(n)* و *cap(v)*».

همان‌گونه که آشکار است، شباهت فراوانی میان اندیشه‌های ریچاردز و هادسن وجود دارد، هر چند که ریچاردز گویی اندکی با وسواس نام فرایندها را مطرح کرده‌است. افزون بر این، ریچاردز در زیر مدخل *word formation* تنها از فرایندهای ساخت‌واژی یاد کرده‌است، در حالی که هادسن با ارائه دو دسته بیان کلمه‌های نو در شکل نو و بیان معانی نو در شکل‌های قدیمی پای فرایندهای معنایی را نیز به میان کشانده است. دقیقاً به همین دلیل است که سمائی (۱۳۸۴) مقاله خود را «روش‌های واژه‌سازی در زبان مخفی» نام نهاده است و نه فرایندهای ساخت‌واژی در زبان مخفی، چرا که با این کار وی توانسته است در زیر سرفصل روش‌های واژه‌سازی «تغییر مدلول» را نیز جای دهد.

^۱- bifurcation

^۲- back formation

^۳- combining form

^۴- reduplication

^۵- منظور همان اشتقاق صفر (zero derivation) یا تبدیل (conversion) است (اگرادی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

۳- جایگاه واژگان قرضی نسبت به فرایندهای ساخت واژی

۳-۱- تعریف قرض‌گیری

اهمیت واژگان قرضی در فرایندهای ساخت واژی چنان پررنگ است که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذر کرد. هادسن (۱۹۹۶) در کتاب *زبان‌شناسی اجتماعی*^۱ تعریفی را از هیث^۲ (۱۹۹۴: ۵۵) درباره قرض‌گیری ارائه می‌دهد «راهی را که زبان‌های گوناگون با یکدیگر درمی‌آمیزند، قرض‌گیری می‌نامند». ریچاردز و اشمیت (۲۰۰۲: ۵۶) نیز این گونه تعریف می‌کنند «قرض‌گیری یعنی کلمه یا عبارتی که از زبانی وام گرفته شده باشد و در زبان دیگر به کار رود». بی‌تردید تعریف‌های هادسن و ریچاردز از این پدیده بسیار جامع است. مدرسی (۱۳۸۷: ۶۰) پس از ارائه تعاریفی در این باره از هاگن (۱۹۵۰)، آراتو (۱۹۷۲) و هارتمن و استورک (۱۹۷۲) سعی می‌کند به تعریفی نسبتاً جامع و مانع برسد «ورود عناصر واژگانی یا ساختاری یک زبان یا گویشی دیگر»، که این تعریف ظاهراً به دلیل اشاره به گویش مانع‌تر از تعریف هادسن (۱۹۹۶)، ریچاردز و اشمیت (۲۰۰۲) است. تعریف ارائه‌شده از این فرایند از هادسن (۲۰۰۰) در بند کلمات نو در شکل نو نیز وافی به مقصود نمی‌آید. به نظر می‌رسد یک نکته در این تعاریف نادیده گرفته شده است و آن تبادل واژگانی درون یک جامعه زبانی است، برای نمونه میان اقوام دینی مختلفی که در کنار هم زندگی می‌کنند. از همین روی، شاید بهتر باشد به جای ارائه تعریفی نو برای این پدیده تعاریف هادسن (۱۹۹۶)، ریچاردز و اشمیت (۲۰۰۲) را بهترین تعاریف انتخاب کنم، زیرا این دو راهی نداشته‌اند جز آن که تعریفی چنان جامع ارائه دهند و هدفشان از ارائه تعاریف جامع، البته در نظرگاه نگارندگان، شاید پوشش دادن انواع تبادل‌های زبانی میان اقوام مختلف در هر موقعیت جغرافیایی باشد. این قشر از جامعه، یعنی جوانان دبیرستانی تهران، به آسانی و برای رفع نیاز خود، یعنی پوشیده نگاه داشتن ارتباط خود از دیگران، نه تنها از سایر زبان‌ها، بلکه از سایر ادیان و گویش‌ها، واژه‌های مورد نیاز خود را وام می‌گیرند.

۳-۲- قرض‌گیری، ابزار افزودن واژه به گنجینه واژگانی

یول (۲۰۰۶: ۵۴) در فصل «واژگان و فرایندهای ساخت واژی» در باره قرض‌گیری می‌گوید «یکی از منابع متداول واژگان نو در زبان انگلیسی فرایندی است که آن را به سادگی قرض‌گیری نام نهاده‌اند، یعنی گرفتن کلمه از زبان دیگر». فالک (۱۹۷۸: ۵۰) نیز چنین بیان می‌کند «از انواع مهم تغییرات قاموسی^۳ در زبان انگلیسی قرض‌گیری است، یعنی افزودن واژگان قاموسی یک کلمه از زبانی دیگر». وی در ادامه می‌گوید «زمانی که زبانی کلمه‌ای را از زبان دیگر قرض گرفت، کلمه جدید برابر با نظام صوتی زبانی که بدان افزوده شده است، تلفظ می‌شود. مانند واژه قرض‌گرفته‌شده cheese که لاتین آن cēse بوده است».

^۱ - Sociolinguistics

^۲ - J. Heath

^۳ - lexical change

قرض‌گیری فرایندی جامعه‌شناختی در تحولات زبانی است. واژگان قرض‌گرفته‌شده پس از وام‌گیری، بومی‌شدن و افزوده‌شدن به گنجینه واژگانی زبان وام‌گیرنده در مقام تکواژهایی در فرایندهای ساخت‌واژی به کار می‌روند. لاینز^۱ (۱۹۹۰: ۳۰۹) معتقد است «راه دیگر گسترش نظام زبانی^۲ به واسطه قرض‌گیری واژه‌های قاموسی^۳ از زبان‌های دیگر است». همچنین هادسن (۲۰۰۰) در کتاب خود از قرض‌گیری زیر عنوان «بیان کلمات نو در شکل نو» یاد کرده است، نه فرایندساخت‌واژی. در حالی که سمائی (۱۳۸۴: ۳۸۷) قرض‌گیری را یکی از صورت‌های گوناگون واژه‌سازی می‌داند و آن را «استفاده از الفاظ خارجی» می‌نامد. بابازاده (۱۳۸۵) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به نام «فرایندهای ساخت‌واژی در زبان‌های فارسی و انگلیسی قرض‌گیری را بخشی از فرایندهای ساخت‌واژی قلمداد کرده است. هادسن (۲۰۰۰، ۲۴۶) این نام را (قرض‌گیری) تا حدی همراه‌کننده می‌داند به این دلیل که زبان قرض‌دهنده نمی‌تواند واژه‌های قرض‌داده‌شده را پس بگیرد، وی می‌گوید «در حقیقت، احتمالاً نیت واقعی اولین قرض‌گیرنده واژه‌ای از زبان دیگر به کاربردن آن کلمه، صرفاً در مناسبتی [خاص]^۴ است، و فرد قرض‌گیرنده با افرادی صحبت می‌کند که آنان نیز مانند خود قرض‌گیرنده از زبان مبدأ آگاهند. اما زمانی که دیگران آن واژه قرض‌گرفته‌شده را شنیدند و آن را سودمند یافتند، آن را به کار می‌گیرند و تکرار می‌کنند و با این تکرار، واژه بیگانه در زبان قرض‌گیرنده بومی می‌شود».

خانلری نیز (۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۵) در این باره چنین بیان کرده است «لفظ بیگانه غالباً پس از آنکه تغییری در صورت پذیرفت پروانه دخول در زبان می‌یابد. این تغییر در موردی است که لفظ خارجی شامل اصواتی باشد که ادای آنها برای اهل زبان دشوار است. حرف بیگانه را معمولاً به حرفی که در زبان جاری به آن نزدیک‌تر است بدل می‌کند. در هر زبانی می‌توان دستگاه حروفی را که برای ابدال حرف‌ها و اصوات کلمات خارجی وجود دارد با دقت معین کرد».

تراسک (۲۰۰۳: ۱۸) نیز با دلیلی مشابه آنچه هادسن از آن یاد کرد، قرض‌گیری را نام مناسبی نمی‌داند، و معتقد است «عبارت بهتر می‌تواند «کپی‌برداری»^۴ باشد، اما «قرض‌گیری» مدت‌هاست در این مفهوم به کار می‌رود». وی پس از شرح فراوان در باره قرض‌گیری دریچه‌ای را به نام «پردازش واجی واژه‌های قرضی»^۵ می‌گشاید (همان، ۲۴). تراسک در این باره می‌گوید «هر زبان، نظام واجی خود را دارد: مجموعه‌ای از اصوات گفتاری در دسترس و قواعد ترکیب این اصوات به واژه‌هایی قابل تلفظ، که این اصوات و قواعد زبان ویژه‌اند. نظام واجی زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند، بنابراین، تلفظ یک کلمه قرضی می‌تواند برای گویشوران یک

^۱ - J. Lyons

^۲ - language-system

^۳ - lexemes

^۴ - copying

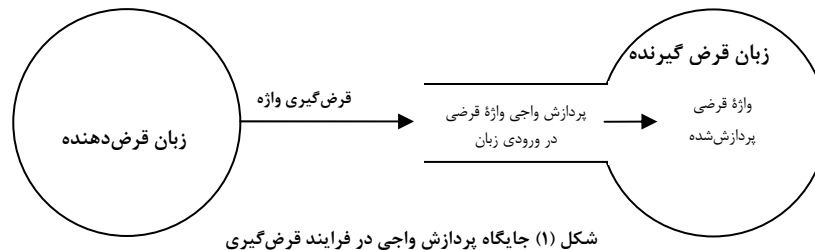
^۵ - phonological treatment of loans

زبان بسیار دشوار باشد. انگلیسی واژه خیشومی در کلمه فرانسوی genre یا واژه گرد پیشین در واژه آلمانی Muesli را ندارد.

بطور کلی، دو راه برای برخورد با این دشواری وجود دارد. نخست اینکه، شما بر این باور باشید که آن کلمه را بسان زبان دهنده^۱ تلفظ کنید، در این صورت می‌توانید بیشترین تلاش خود را به کار بندید تا آن تلفظ را در زبان خود بازتولید کنید^۲، نتیجه این تولید آشکار است که چیزی بیگانه خواهد بود. دوم اینکه، چنین تلاش‌هایی را رها کنید و صرفاً کلمه قرضی را به گونه‌ای تلفظ کنید که گویی کلمه‌ای بومی است و از الگوهای واجی مرسوم زبان خودتان بهره برید، و نتیجه آن خواهد بود که تلفظ اصلی کلمه احتمالاً بسیار تغییر خواهد کرد. هر دوی این رویکردها پرکاربردند.

از سویی، بیشتر گویشوران زبان انگلیسی که از واژه genre استفاده می‌کنند تلاش می‌کنند تا این واژه را مانند تلفظ فرانسوی آن ادا کنند، یعنی با واژه‌ای خیشومی [ʒɑ̃.ʁɑ̃] اما بیشتر به جای همخوان ملازی /ɹ/ فرانسوی از همخوان /r/ انگلیسی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، کسی تلاش نمی‌کند تا کلمه Muesli را به شیوه آلمانی آن یعنی ['my:zli] تلفظ کند، بلکه همگان آن را کاملاً با اصوات انگلیسی ادا می‌کنند، یعنی می‌گویند ['mju:zli] یا ['mju:sli].

از مثال‌های تراسک می‌توان دریافت، حتی آنجا که گویشوران یک زبان سعی می‌کنند تا واژه‌ای را بسان تلفظ اصلی آن در زبان قرض‌دهنده ادا کنند، موفقیت چندان‌ی را کسب نمی‌کنند. شکل (۱) بیان‌کننده اتفاقی است که در فرایند قرض‌گیری رخ می‌دهد:



بنابراین بر اساس نظر تراسک (۲۰۰۳)، خانلری (۱۳۸۶) و هادسن (۲۰۰۰) نتیجه می‌گیریم قرض‌گیری نام مناسبی برای فرایندی که نامش باید بیان‌کننده خصوصیتی ساختی باشد، نیست، بلکه نام یک فرایند اجتماعی است که نتیجه آن افزایش شمار گنجینه واژگان زبان قرض‌گیرنده است. از همین

^۱ - donor language

^۲ - reproduce

روی، در طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده، با اتکا به نظرگاه تراسک، به‌جای نام قرض‌گیری از پردازش واجی واژه قرضی در شماره ۱-۳-۱-۴ در صفحه ۱۴ استفاده شده است.^۱

نکته‌ای دیگر که در اینجا یادآوری آن در باره پردازش واجی واژه‌های قرضی ضروری می‌نماید، مسئله‌ایست که هسپلمت^۲ (۲۰۰۲: ۱۹۲-۱۹۵) در باره دگرگونی‌های واژ-واجی^۳ اشاره می‌کند. وی این دگرگونی‌ها را سه گونه تقسیم می‌کند: دگرگونی‌های برجامانده^۴، دگرگونی‌های رایج^۵، و دگرگونی‌های زیای^۶. دگرگونی‌های برجامانده در تعداد اندکی از واژه‌ها دیده می‌شود، از همین روی با تردید بتوان در باره آنها قاعده‌ای را پیشنهاد داد، برای نمونه دگرگونی S/ʃ در آلمانی، که این تغییر در آلمانی باستان^۷ کاملاً قاعده‌مند بوده است، ولی در آلمانی جدید^۸ بیشتر این دگرگونی‌ها یکنواخت شده‌اند. دگرگونی‌های رایج در بسیاری از واژه‌های زبان و غالباً در موقعیت‌های ساخت‌واژی^۹ یافت می‌شود، برای نمونه واکه‌مرکب‌شدگی^{۱۰} در زبان اسپانیایی که ue و ie در هجاهای تکیه‌دار واقع می‌شود، و o و e در هجاهای بدون تکیه. اما دگرگونی‌های زیای نه تنها در بسیاری از واژه‌ها یافت می‌شوند، بلکه در واژه‌های نو مانند نوآوری‌های واژگانی و قرض‌گیری تسری می‌یابد. برای نمونه، k/ğ ترکی که در واژه‌های قرضی مانند kartotek/ kartoeği از card catalog تسری می‌یابد. هسپلمت (همان، ۱۹۳) جدول ۱ را به نام ۳ نوع دگرگونی واژ-واجی ارائه می‌دهد:

^۱ - لازم به یادآوری است تراسک ضمن اینکه بحث پردازش واجی واژه‌های قرضی را مطرح می‌کند، به دلیل کاربرد دیرینه واژه قرض‌گیری در زبان‌شناسی از ایجاد هرگونه تغییری خودداری می‌کند و به‌رغم مطرح کردن مبحث پردازش واجی واژه‌های قرضی، در جایی که به ساختار کلمه‌های نو (formation of new words) می‌پردازد (۲۰۰۳: ۳۰) می‌گوید: «قرض‌گیری تنها راه فراهم‌آوردن کلمه‌های نو نیست، زبان‌ها می‌توانند از منابع خود برای خلق کلمه‌های نو بهره ببرند، بدون آنکه در دیگر زبان‌ها جذب شوند».

^۲ - M. Haspelmath

^۳ - morphophonological alternation

^۴ - Relic

^۵ - common

^۶ - productive

^۷ - Old High German

^۸ - Modern German

^۹ - morphological contexts

^{۱۰} - diphthongization

دگرگونی‌های برجامانده	دگرگونی‌های رایج	دگرگونی‌های زایا
در شمار اندکی از موارد اعمال می‌شود	در بسیاری از موارد اعمال می‌شود	در بسیاری از موارد اعمال می‌شود
در واژه‌های نو اعمال نمی‌شود	در واژه‌های نو اعمال نمی‌شود	در واژه‌های نو اعمال می‌شود
احتمالاً گویشوران آنها را تشخیص نمی‌دهند	احتمالاً گویشوران آنها را تشخیص می‌دهند	به وضوح گویشوران آنها را تشخیص می‌دهند

جدول ۱- دگرگونی‌های واژ- واجی

۳-۳- نقش واژگان قرضی در فرایندهای ساخت‌واژی

بلومفیلد^۱ (۱۳۷۹: ۵۳۷) می‌نویسد «از نظر دستوری، صورت وام گرفته‌شده تابع دستگاه‌های زبان وام‌گیر است؛ حال خواه دستگاه نحوی باشد، خواه دستگاه تصریف‌های ناگزیر، یا دستگاه ساختارهای مرکب «زنده» و کاملاً رایج، یا، بالاخره، دستگاه ساخت‌واژی». همانطور که در این چند برگ پژوهشی خواهید یافت این اتفاق به گونه‌ای کاملاً ملموس در زبان مخفی جوانان نیز رخ داده است، برای نمونه، «سیوژ کردن» یا «تیپ زدن» (واژه‌های پردازش‌شده قرضی در کنار «مصدر کردن» و «زدن» گروه فعلی را ساخته‌اند).

۳-۴- واژگان قرضی نشانه فرهنگی جوانان دبیرستانی در تهران

بلومفیلد (همان: ۵۴۱-۵۴۲) می‌گوید «وام‌واژه‌های فرهنگی نشان می‌دهند که هر ملتی چه چیزی‌هایی را از ملتی دیگر آموخته است. وام‌واژه‌های انگلیسی از فرانسه عموماً به حوزه‌های لباس زنانه، لوازم آرایش، و تجملات تعلق دارند». هادسن (۲۰۰۰) نیز در تعریف خود در بند کلمات نو در شکل نو نیز این واژه‌ها را شاهدی بر نوع روابط فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی میان دو کشور می‌داند. اما هدف از بیان این گفته‌ها این مسئله است تا اشاره‌ای شود به ارتباط میان آن واژگانی که جوانان از آنها عمدتاً برای نام‌گذاری مسائل جنسی یا برای گزارش‌دادن از وجود افرادی با عنوان جاسوس مانند «تی‌تی» در میان خود استفاده می‌کنند، با واژگانی که بیشتر از زبان انگلیسی یا فرانسوی قرض گرفته‌اند، با این هدف که رابطه زبانی نه‌چندان مؤدبانانه خود را از دیگران بیپوشانند. این مسئله در جای خود نیاز به پژوهشی گسترده و فرهنگی دارد و هدف صرفاً یادآوری این نکته بسیار مهم گفتمانی است تا شاید در فرصتی دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

^۱ L. Bloomfield

۴- فرایندهای ساخت‌واژی در زبان مخفی

پیش از آغاز بحث لازم است نکته‌ای یادآوری شود. بسیاری از کلمه‌های مورد تحلیل غالباً جزو محرمات بوده‌اند، از همین رو، از ارائه کل پیکره در اینجا معذوریم و خوانندگان محترم می‌توانند برای آگاهی از این کلمه‌ها به کتاب فرهنگ لغات زبان مخفی (۱۳۸۲) مراجعه کنند. این مسئله سبب می‌شود تا از سوی دیگر، ارقام اشاره‌شده در کنار نام فرایندها «شمار» با تعداد کلمه‌های طبقه‌بندی‌شده در هر قسمت همخوانی نداشته باشد.

۴-۱- فرایندهای ساخت‌واژی واژه‌های غیرفعلی

این گروه شامل اسم و صفت است. به‌طور کلی ۹ شیوه اصلی شناسایی شدند:

۴-۱-۱- ترکیب (شمار: ۱۱۷)^۱: بیشتر گروه‌های اسمی بدست‌آمده از این فرایند، اسم‌های مرکب بی‌هسته‌اند. به این مفهوم که معنای کل آن در شمول هیچ یک از عناصر سازنده‌اش قرار ندارد (طباطبائی، ۱۳۸۴: ۱۹۴) و درست به همین دلیل در فهرست فرایندهای ساخت‌واژی در زبان مخفی گروه نحوی وجود ندارد.

۴-۱-۱-۱- ترکیب با استفاده از واژه‌های پردازش‌شده قرضی دینی (شمار ۲): داف تیس و دله داف. ۴-۱-۱-۲- ترکیب با استفاده از عناصر پردازش‌شده قرضی (شمار ۳۲): چنین می‌نماید که ترکیب واژه‌های پردازش‌شده قرضی به آسانی و بدون محدودیت در میان جوانان به کار می‌رود. در این فرایند دو واژه یا بیشتر به هم می‌پیوندند و یک واژه مرکب را می‌سازند. در نمونه‌های ارائه شده، می‌توان کلمه‌هایی یافت که هر دو جزء یا یکی از اجزاء آن واژه پردازش‌شده قرضی است:

- کلمه پردازش‌شده قرضی + سرواژه‌ای که از نظر آوایی قرضی بنظر می‌رسد: دبل ذی.

- صفت/اسم/اسم‌مشتق + صفت/اسم/اسم‌مشتق: این بار، این تاه، این دفعه، بابا باکلاس، اسکلت برقی، فیلتر کش، تیپ خسته، امام عمل، ام الجواد، اتو مرسی، پیست اسکی، تریپ خفن، دست آلات، دو نقطه، دوو منگول، دیپ شت، رپ مهاجر، رفیق فابریک، رنو تحصیلکرده، زیدوفسکی، سرگیجه اسفناج، صفر کیلومتر، یا هو، سر سیلندر و اُپل عقب‌افتاده.

- اسم/اسم مشتق + اسم کوتاه‌شده و پردازش‌شده قرضی: رفیق فاب.

ترکیب گویشی: چوخ پول،/یکی ثانیه، چت /اوعلی.

۴-۱-۱-۳- کلمه ساختگی + اسم (شمار ۸): جینگیلی مستون، جینگیلی بلا، هتَل مَس، شامبوسکولی، گون گولا، شی‌بابا، اشکول تپه، شرتی شپلکی.

^۱ - لازم است نکته‌ای را تبیین کنیم که هدف از ارائه شماره‌ها، نشان دادن فراوانی هر فرایند است. بنابراین گاه اگر تعداد واژه‌ها و عبارت‌های ارائه‌شده را بشماریم ممکن است به شمار کمتری برسیم. دلیل آن نیز آشکار است، که همانا تعدادی از موارد مشابه با ساخت‌واژه‌های چنگانه است که به آنها در تمام فرایندهای مربوط اشاره کرده‌ایم.

۴-۱-۱-۴ - اسم / اسم پسر شده / صفت + اسم / صفت (شمار ۶۵): الک دولک، اسکلت برقی، بچه مثبت، پژو حسرتی، پژو کارمندی، پیچ گوشتی، جارو برقی، جردن جنوبی، جواد بازار، جوشکار، جواد مخفی، چایی شیرین، حال گیری، حضرت عمل، خونه خالی، ضدّ حال، هزار پدیده، خانم رئیس، سرخ پوست، سرکاری، سرگیجه بنفش، سه تیغه، سه سوت، دونبش، شاسکوله مو، شاس لیت، شلوار جواد، شلوار حمزه، شلوار خانواده، شیرین پلو، عروس دهاتی، علی شاه، کمپوت جوشی، گیر بازار، ماشین لایی، مأمور بازار، مسیر مالیاتی، میش پاک، نوار مجردی، یرقان تپه، در پیت، در پیتی، آدم چوله، اسقف اعظم، توله سگ، رشید خان، دامبله گوشت، قه ثانیه، سیم ثانیه، سرخ کلگی، خالی بند، مامانم اینها، خالی بندی، تک پر، جا صابونی، صد پر، فنچ باز، فنچ بازی و مخ زنی.

لازم است یادآوری شود که ترکیب و اشتقاق نسبت به یکدیگر هم‌پوشانی دارند، برای نمونه توجه کنید به: مخ زنی، مسیر مالیاتی و نوار مجردی.

۴-۱-۱-۵ - اسم + بن مضارع (شمار: ۹): دستمال، بدن خور و گوشتکوب.

توجه کنید که پاره‌ای از ترکیب‌ها بیش از دو کلمه‌اند، اما همچنان دو جزء خود را حفظ کرده‌اند:

حاصل از دواج فامیلی، سرگیجه الاغی، یه گله اسب، دو دره باز، گیر سه پیچ، جواد توترک،

همان‌گونه که در کلمه‌های مرکب بالا مشاهده می‌شود، جزء دوم ۳ مورد پایانی از ۹ مورد

یادشده، گروه حرف اضافه است.

۴-۱-۱-۶ - اتباع (شمار ۱): کلیاسی (۱۳۸۰: ۶۷) اتباع را گروه کلمات مرکب می‌داند که از دو جزء تشکیل شده است، که یکی از آن اجزاء بدون معنی است و یا درغیر معنی اصلی خود به کار می‌رود.

اما در اینجا چنین می‌نماید که هر دو جزء ساختگی باشد: نیش ناش

واژه «لاش‌گاواش» را نیز زیر مجموعه ترکیب تلقی می‌کنیم، هر چند قضاوت در باره ریشه این واژه کار دشواری است، از معنی نخستین بخش این کلمه مرکب که بگذریم، در باره «گاواش» پرسش‌هایی به ذهن متبادر می‌شود. آیا این ترکیب از به هم پیوستن «گاو» و «اش» به وجود آمده است؟ آیا هدف از این ترکیب، هم‌آهنگی دو کلمه ترکیب‌شده یعنی با یکدیگر است؟ یا «گاواش» صورت اوستایی^۱ همان «گاو» است؟ در صورت درستی این فرضیه می‌توان این ترکیب را وارد شماره ۴-۱-۱-۱ - «ترکیب با استفاده از واژه‌های پردازش‌شده قرضی دینی» کرد. به هر روی، تعیین جایگاه واقعی این واژه در زیر فصل ترکیب کار دشواری است. بنابر این بهتر است نگاه در زمانی را به‌کناری بگذاریم و به این کلمه صرفاً نگاه هم‌زمانی داشته باشیم و با استناد به این که «لاش» دارای معنی مستقل خود است آن را کلمه‌ای مرکب بپنداریم.

^۱ - لوح فشرده فرهنگ لغت دهخدا، روایت سوم: مدخل «گاو»

۴-۱-۲- اشتقاق (شمار: ۵۷): در این فرایند علاوه بر وندهای رایج در زبان فارسی، وندهای سترون مانند «اول» مشاهده شده است: بی‌ریخت، ایستگاه، تورگی، درگیر، نادخ، تایی، پیول، فنچول، اوسیک، زاغول، دامبولی (ریشه این واژه «دامب» نام‌آوا است)، چاچول، اسکول، شاسکول، شیمبول، شومبول، کستول^۱، هوارتا، دستی، نارنجی، آموزشی، تصادفی، لاشو، اسیدی، سوتی، سفیدی، تاپاله (تاپال + ه)، جزمی («جزم» از تغییر واج در «جزء» بدست آمده است)، چپی، کیگایی و کیاکلایی.

به «چاچول» توجه کنید، این‌گونه می‌نماید که این کلمه از «چاچی» ساخته شده باشد، به این گونه که کلمه «چاچی» (به معنی دروغگو) در افزوده شدن به وند سترون «اول»، دو واج خود را از دست داده است. در اینجا وند مذکور صفت‌ساز است.

اولین فرایندی که دربارهٔ واژه «شاسکول» به ذهن متبادر می‌شود «شاس + ک ← شاسک + اول ← شاسکول» که وند افزودهٔ نخست از گونهٔ تصغیر است و دوم از گونهٔ صفت‌ساز. دوم، همین فرایند با این تفاوت که «ک» میانی، «ک» میانجی است.

۴-۱-۲-۱- اشتقاق با استفاده از کلمه‌های پردازش‌شدهٔ قرضی (شمار: ۲۳): این فرایند بر واژگان پردازش‌شدهٔ قرضی با استفاده از وندهای زبان فارسی یا وندهای زبان بیگانه انجام می‌گیرد، اما دو نکته در واژگان این زبان درخور توجه است، نخست به‌کارگیری وندهای سترون بسان «ال» (کلباسی، ۱۳۸۰: ۱۰۱)، دوم کاربرد وندهایی که به هیچ روی فارسی نیستند بسان «-اکس» و «-ه»:

- با استفاده از وندهای زبان فارسی: وندهایی که زایایی دارند عبارتند از: -ی، -بی، -تا، -آک، -اول، و -ال: ابولی، دافی، زیدی، سعیدی، مودی^۲، بوجورتا، بی‌کلاچ، باکلاس، بی‌کلاس، شافتک، شافتولی، چتقال و چترال. (چنین می‌نماید که دو کلمهٔ پایانی بر اثر قیاس نادرست از «مقال» ساخته شده است، و وند سترون -ال مایهٔ تولید این دو شده. دو واج «ق» و «ر» واج میانجی به شمار می‌آیند. در واقع همان وندی که کاتامبا و استونهام (۲۰۰۶) از آن به نام وند تهی^۳ یاد می‌کنند.)

^۱ - وند «اول» وندی سترون است به معنی «نسبت». در کلمه‌های محاوره‌ای دیده می‌شود (کلباسی، ۱۳۸۰: ۱۱۵). همچنین، فرشیدور (۱۳۸۶: ۴۴۷) «ول» را پسوندی عامیانه می‌داند و ۴ نوع کاربرد را برای آن بر می‌شمرد: (۱) پسوند تصغیر و کوچک‌سازی مانند پنچول، (۲) پسوند آلت مانند سیخول، (۳) پسوند صفت‌ساز خوارسازی و تحقیر مانند زاغول، و (۴) پسوند صفت‌ساز با جنبهٔ مثبت مانند نازول.

^۲ - هر چند در زبان انگلیسی کلمه moody وجود دارد، لیکن بنظر می‌رسد جوانان با استفاده از وند «-ی» «مود» را به «مودی» تبدیل کرده باشند.

^۳ - empty morpheme

- با استفاده از وندهای زبان بیگانه یا وندی که در زبان فارسی وجود ندارد^۱: ضده، جواده، شوتکس، شلیکس، شامپکس، کدکس و تیریکس.
 «- اِکس»، بر اثر آشنایی با واژه‌هایی چون دوبلکس و تریبلکس یا complex یا سایر واژه‌های مشابه، وارد فرایندهای ساخت‌واژی زبان مخفی شده باشد، که در صورت درستی این فرضیه، تقطیع نادرست روی داده است.

۴-۲-۱-۲- اشتقاق در واژه‌های ساختگی (شمار ۱): بوبولی.

۴-۲-۱-۳- اشتقاق بر کلمه‌های کوتاه‌سازی شده (شمار ۲): پسی و دخی. برای نمونه: پسر ← پس + ی = پسی

۴-۱-۳- پردازش واجی (شماره ۵۹)

۴-۱-۳-۱- پردازش واجی واژه‌های قرضی (شمار ۵۷): همان‌گونه که پیشتر شرح این فرایند را در مورد ۴-۲- ارائه شد، مقصود از پردازش واجی همان فرایند بومی‌سازی است که در واژگان قرضی رخ می‌دهد، این واژه‌ها به ۳ دسته شده است:

- تکواژهای پردازش‌شده: آجان، اتو، ابوالحسن (این کلمه در مقام یک تکواژ به کار می‌رود)، کول، کوالا، کارتون، زیپ، فنت، سوژه، آنتن، اند، اوور، پرست، گوف، پالیشر، پت، پوتر، تایتانیک، تریپ، تیپ، های، جوئینت، چنچ، تفلون، پاناسونیک، رسیور، ژولیت، کینگ کنگ، گشتاپو، لئوناردو، لائو، مانی، مود، نامبر، کیلیپس، سات لایت، هاک‌فین، زید، آنگول، سیفون، شیتیل، قاق (واژه‌ای در زبان عربی به معنی مرد لاغر و قد دراز است)، اسپید، و بی‌بی‌سی.

واژگان پردازش‌شده قرضی با همان معنای اولیه، در زبان قرض‌گیرنده به کار نمی‌رود، برای نمونه در واژه‌های «کیلیپس»، «رسیور»، «آنتن» و «لاوازیه» به خوبی می‌توان بسط معنایی را مشاهده کرد. نخستین معنای «آنتن» در فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۸۱: ۴۸) اسبابی است به شکل میله یا صفحه معمولاً فلزی برای انتشار یا دریافت امواج صوتی، تصویری یا هر دو و دومین معنای

^۱ - در باره تعداد اندکی از وندهای قرضی مانند «-ه» در این گونه زبانی، نمی‌توان به آسانی گفت شیوه‌ای در ساخت‌واژه قرض گرفته شده است، چنان‌که کاتامبا و استونهام (۲۰۰۶، ۷۷) در زبان انگلیسی از وند et- یاد کرده‌اند که در کلمه‌ای مانند livret به کار می‌رود و این وند از زبان فرانسوی قرض گرفته شده است. لیک بی‌تردید می‌توان به این پدیده‌ها با دیده دقت نگریست و شاید تا اندازه‌ای آنها را زنگ هشدار برای زبان فارسی انگاشت که می‌تواند درخور توجه برنامه‌ریزان زبان باشد. چرا که زبان فارسی فاقد تمایز واژی یا واجی بارز و آشکار برای تمایز میان دو جنس است و اساس آن را هم اکنون (یعنی در سال ۱۳۸۹) جوانانی می‌سازند که پیکره مورد تحقیق در سال ۱۳۸۲ از آنها استخراج و چاپ شده است. از همین روی در این مقاله دو مورد «جواده» و «ضده» را به همراه سایر موارد زیر عنوان «استفاده از وندهای زبان بیگانه یا وندی که در زبان فارسی وجود ندارد» آورده‌ایم.

آن مربوط به دانش زیست‌شناسی است، در حالی که برابر با فرهنگ لغات زبان‌مخفی (۱۳۸۲: ۳۳) این واژه معنای جاسوس و خبرچین را می‌دهد. «کلیپس» در فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۸۱، ۱۰۳۱) نخست به معنای اسبابی است به شکل میله خمیده فلزی یا پلاستیکی برای نگهداشتن ورق‌های کاغذ، مقوا و مانند آن بر روی یکدیگر، دوم به معنای گیره است، در حالی که در فرهنگ لغات زبان‌مخفی (۱۳۸۲، ۷۴) در مدخل واژه «کلیپس» آمده است: «از لفظ انگلیسی clip] شخص مزاحم سمج؛ موی دماغ.»^۱ نکته‌ای دیگر که پیرامون بسط معنایی واژه «کلیپس» توجه را به خود می‌کشاند، پردازش واجی است که به‌منظور بومی‌سازی این واژه رخ داده است.

- تکواژهای پردازش‌شده دینی: داف و زاخار.

- تکواژهای پردازش‌شده گویشی: این‌گونه از وام‌گیری‌ها عمدتاً از آذربایجانی، اصفهانی، و لری انجام گرفته است: قالیاق، ایسکیدی، یر، بوجور، چوخ، شیویل^۲، پیل و دیشلمه.

۴-۱-۳-۲- جابه‌جایی واجی (شمار: ۲): این پدیده را در هیچ یک از پژوهش‌های یادشده زیر مجموعه فرایندهای ساخت‌واژی قرار نگرفته است. برای نمونه ریچاردز و اشمیت (۲۰۰۲: ۵۰۰ - ۵۰۱) جابه‌جایی آوایی را سومین نمونه از انواع «اشتباه‌های گفتاری» ذکر کرده‌اند. احمدخانی (۱۳۸۷: ۱۱) جابه‌جایی واجی را فرایندی می‌داند که در آن ترتیب واج‌ها معکوس می‌شود، وی پس ارائه تعاریف و نظریات گوناگون، در باره جابه‌جایی واجی در فارسی از قول حق‌شناس (۱۳۸۴: ۱۵۶) و ثمره (۱۳۸۴: ۱۱۵) می‌گوید: «در فارسی جابه‌جایی واجی در زبان کودکان، خطاهای گفتاری و گفتار عامیانه یافت می‌شود» (احمدخانی، ۱۳۸۷: ۲۲). چنین می‌نماید که گویشوران از اینکه «سیگار» را به «ایگارس» و «خفن» را به «فخن» تبدیل می‌کنند به خوبی آگاه باشند. بهتر است دلیل این پدیده را نه در مبانی ساخت‌واژه بلکه در مبانی جامعه‌شناختی جستجو کرد، برای نمونه شاید گفتن فخن بتواند گونه‌ای رابطه از جنس حاکمیت و برتری قدرت‌مدارانه را میان جوانان برقرار سازد.

۴-۱-۴- ابداع (شمار: ۳۰): در این فرایند می‌توان به وجود قیاس میان کلمه‌های ساخته شده

با آنچه از پیش در زبان وجود داشته است پی برد

۴-۱-۴-۱- ترکیب: مورد ۴-۱-۳-۱-۳- را بنگرید.

^۱ - از آنجا که در این پژوهش هدف بررسی ساخت‌واژی است، از همین روی تحلیل بسط معنایی را در سایر موارد بر عهده خوانندگان می‌نهیم. به‌ویژه آنکه، در برخی از موارد، بسط معنای آنها در این پژوهش امکان‌ناپذیر است، چه معنای آنها به تابوها کشیده می‌شود.

^۲ - بنظر می‌رسد در گونه زبانی اصفهانی از اتباع «شُل» باشد.

۴-۴-۲- تکواژهای بسیط: ایچ، ملوچ، خفن، ینف، زیت، هوروت، چنیم، چت، شملقوتی (قیاس از شملقوره)، شیمبل، کلکوک، فتیل، فنتل، یول (قیاس از گول)، اوپس (بنظر می‌آید نام آوا باشد) و اسمول (قیاس از اسکول، شاسکول و...).

۴-۴-۳- اشتقاق: بند ۴-۲-۲-۲ را بنگرید.

۴-۴-۱-۴- اتباع: بند ۴-۱-۱-۴-۶ را بنگرید. نگارندگان بر این باورند که ترکیب «نیش‌ناش» کاملاً ساختگی است.

۴-۱-۵- کوتاه‌سازی (شمار: ۱۷): حذف بخشی (یک واژه یا قسمتی از یک واژه) از یک اصطلاح است (طباطبائی، ۱۳۸۴: ۱۹۸).

۴-۱-۵-۱- تکواژ بسیط: کلان، اطل، اسکین، اس، الک، گُج و مِلو.

۴-۱-۵-۲- کاربرد در ترکیب: اسم / اسم مشتق + اسم کوتاه‌شده و پردازش‌شده قرضی: رفیق فاب و چسی بایل.

۴-۱-۵-۳- کاربرد در فعل مرکب: فر کردن (فرار کردن)، اب داشتن، اس کردن، تگری زدن (کوتاه‌شده تگری) و سیگ بار زدن (کوتاه‌شده سیگار بار زدن).

۴-۱-۵-۴- اشتقاق: بند ۴-۲-۱-۴-۳ را بنگرید.

۴-۱-۵-۵- کوتاه‌سازی واژگان پردازش‌شده قرضی (شمار: ۱): «تابل» که شکل کوتاه‌شده «تابلو»ی فرانسوی است.

۴-۱-۶- سرواژه‌سازی (شمار: ۷)

۴-۱-۶-۱- سرواژه‌سازی با استفاده از واج‌های قرضی: به هیچ روی سرواژه‌های ساخته شده با استفاده از واج‌های زبان فارسی نیست و تمام آنها واج‌های قرضی‌اند:

زی دی، اف جی سی، جی، سی جی و تی تی. (بنظر می‌رسد «تی تی» از سرواژه «SS» گرت‌برداری شده باشد، دلیل شباهت در معنای این دوست.)

۴-۱-۶-۲- سر واژه قرضی در مقام تکواژ بسیط: بی‌بی‌سی.

۴-۱-۶-۳- سرواژه‌های کلمه‌ای: ساواکی.

۴-۱-۷- دوگان‌سازی (شمار: ۶): تیغ تیغ و گاگول. کلمه «گاگول» بسیار در این فهرست درخور توجه است؛ به نظر شقاقی (۱۳۸۷: ۱۰۳) این کلمه در زیر مجموعه فرایند ساخت‌واژی بدیع قرار می‌گیرد. اما چنین می‌نماید، این کلمه از واژه «گول» در زبان فارسی ساخته شده است. در حقیقت، هجای افزوده نخست آن پس از تغییر آوایی برای تأکید آمده است به عبارتی دیگر، تحت فرایند دوگان‌سازی قرار گرفته است.

^۱ - این واژه با واژه «زیت» در زبان عربی تفاوت دارد. تلفظ این واژه در عربی چنین است: /zeyt/ و معنی آن «روغن» است. در حالی که در زبان مخفی جوانان این واژه /zit/ تلفظ می‌شود و به معنی «زرنگ» و «زبل» است.

۴-۱-۷-۱- دوگان‌سازی تکواژهای ساختگی: فان فان و بیل بیل.
 ۴-۱-۷-۲- دوگان‌سازی واژگان پردازش‌شده قرضی (شمار: ۲): فاب فا و پلاس پلاس.
 ۴-۱-۸-۱- **پسروی (شمار: ۶):** جواد (برگرفته از «جوادیه») و جوج (برگرفته از «جوجه»)
 ۴-۱-۸-۱- دگرگونی واجی: در این فرایند واژه‌های بدست آمده در فرایند پسروی دچار دگرگونی واجی می‌شوند: جفاد و جوات. این دگرگونی به دلایل برون زبانی رخ داده است.
 ۴-۱-۸-۲- اشتقاق در واژه‌ها پسروی‌شده مانند جواده و ضده. بند ۴-۱-۲-۱- را بنگرید.
 ۴-۱-۹- **پیوند (شمار: ۱):** اسم کوتاه شده + اسم: هادسن پیوند را چنین تعریف می‌کند
 «جانیشینی دو کلمه یک عبارت با بخش‌هایی از آن دو کلمه. موزمار (بخش نخست واژه‌ای با شکل کامل کلمه دیگر)

۴-۲- فرایندهای ساخت واژگی به کار رفته در فعل‌ها (شمار: ۱۱۵)

۴-۲-۱- فعل‌های مرکب (شمار: ۱۱۰)

۴-۲-۱-۱- کلمه ابداعی + مصدر (شمار ۱): مشقش کردن^۱.
 ۴-۲-۱-۲- فعل‌های گروهی با واژه‌های قرضی پردازش‌شده (شمار ۳۷):
 - کلمه قرضی پردازش‌شده + مصدر (شمار: ۲۱): کاریکوت گرفتن، کیو دادن، کلیک کردن، کلاس گذاشتن، کلاس داشتن، فرمت کردن، فاز دادن، رله کردن، سیوز کردن، تیک زدن، تیپ زدن، تریپ زدن، آتو زدن، قاطی کردن، قارط زدن و آنتن دادن.
 - افعال مرکب (شمار: ۲): یزید شدن و وانت شدن.
 - افعال ترکیبی بیش از دو کلمه (شمار: ۱۰): در این مورد می‌توان به آسانی به ترجمه‌های قرضی پی‌برد: ایند (کاری/ چیزی) بودن، اواخر کاری بودن، آخر (کاری/ چیزی) بودن، رو آنتن بودن، تریپ برداشتن، تیپ خسته زدن، سیم بکسل دادن و تریپ لاوی شدن.
 - ترکیب نحوی با استفاده از واژه قرضی پردازش‌شده (شمار: ۴): زیپ خود را کشیدن، فنت کسی با آفنا^۲ کسی خوردن، برای یکدیگر لاو ترکاندن و در مود شخصی بودن.
 ۴-۲-۱-۳- اسم + مصدر (شمار ۵۰): شاس زدن، اسکول کردن، هتل شدن، چت کردن، چت زدن، چنیم کردن، حال دادن، حال‌گیری کردن، حال‌پخش کردن، حال‌گرفتن، ركب خوردن، سق زدن، سوگ شدن، ضده زدن، ایستگاه گرفتن، ایستگاه کردن، آمار دادن، آمار گرفتن، باد کردن، بایگانی کردن، پرش داشتن، ترمز بریدن، جیغ زدن، خفه کردن، چره کردن، خط دادن، درو کردن، دست زدن، راه دادن، سوتی دادن، سه کردن، ضایع کردن، فک افتادن، فک زدن، فر دادن، فر زدن، فر

^۱ - چنین می‌نماید که جزء اسمی این فعل مرکب بر اثر قیاس با "مشوش" ساخته شده باشد.

^۲ - چنین می‌نماید "افنا" به دلیل از "اقساط" ساخته شده است.

خوردن، کف ریختن، فوت کردن، کلید کردن، گره کردن، گیر دادن، گیر شدن، مخ زدن، ناله شدن، نخ دادن، قاطی کردن، قارط زدن و قاط زدن.

۴-۱-۲-۴-صورت کوتاه‌شده + مصدر / مصدر مرکب (شمار ۵): مورد ۴-۱-۵-۳- را بنگرید.

۴-۱-۲-۴- فعل‌های مرکب با بیش از دو کلمه (شمار ۱۷): جفت شش زدن، چراغ خاموش حرکت کردن، فس کاری در آمدن، خالی بندی کردن، خرسواری کردن، با خود درگیر شدن، با دست حساب کردن، روغن ریزی داشتن، ضد حال زدن، دو دره کردن، دو دره شدن، سر کار گذاشتن، تو رگ زدن، سیگاری بار زدن، به موتور کسی زدن، تو نخ کسی رفتن و تو نخاع کسی زدن.

۴-۲-۲- ترکیب‌های نحوی^۱ (شمار: ۱۱): سی ته، سر پیچ را دست کسی دادن، اعصاب کسی را تیلیت کردن، مخ کسی را چت کردن، دستی را کشیدن، خود را به کلنگ زدن، مخ کسی را تو فرقان گذاشتن، مخ کسی را کار گرفتن، مخ کسی را تیلیت کردن.

۴-۲-۳- گروه‌های فعلی (شمار: ۹): تو حس بودن، تو فوت بودن، افلاطون کاری بودن، بدن خور کسی خوب بودن، چپ کسی پُر بودن، تعطیل بودن مخ و مرگ چیزی بودن.

۴-۲-۴- فعل‌های بسیط (شمار: ۶): لفیدن، گرفتن، خزیدن، پیچوندن، غلیدن، و گرخیدن (که این مورد پایانی کلمه پردازش‌شده قرضی از گویش ترکی است).

۵- «اوش ترمز» دشواری‌ای حل ناشدنی

تاکنون هر آنچه درباره ریشه پاره‌ای از کلمه‌ها به‌طور جسته و گریخته مطرح شد صرفاً نظریات نگارندگان درباره آن واژه‌ها بود که بی‌تردید باید آنها را در بوته نقد و بررسی نهاد. اما در مورد کلمه «اوش ترمز» نمی‌توان قضاوتی کرد، هرچند از نمایی بس فریبنده بسان واژه‌های مرکب برخوردار است که نگارندگان را به این فکر وامی‌دارد که از ترکیب «اوش» و «تورمز» به وجود آمده باشد. اما از آنجا که به احتمال فراوان معنی آن دچار دگرگونی شده است، نمی‌توان به آسانی از آن گذشت. تنها نکته‌ای که در اینجا اهمیت دارد این است که در حالت عادی، یعنی بدون افزودن واژه بست به پایان آن و تغییر هجایی ناشی از این افزودگی، این کلمه نظام هجایی زبان فارسی را برهم می‌زند. به پشت هم‌آیی سه همخوان در پایان واژه توجه کنید: /ʔuʃ.turmz/ بنابراین دریچه فرضیه پردازش واجی واژه قرضی همچنان برای این کلمه باز است. البته از یاد نبریم به دلیل جایگاه ویژه واج /m/ ممکن است واکه افزایی رخ دهد.

^۱ - ترکیب‌های نحوی جمله‌هایی‌اند که بیشتر با همان ترکیب‌های ثابت یادشده به کار می‌روند، دلیل جای‌دادن این گروه زیر عنوان فعل‌ها، وجود فعل‌های مرکب در این گونه ترکیب‌هاست، که بار معنایی متفاوتی را به این ترکیب‌ها می‌دهد.

۶- دگرگونی معنایی

هدف از این مقاله همان‌طور که از مقدمه و پرسش پژوهش برمی‌آید پی‌بردن به گرایش‌های ساخت‌واژی است؛ بنابراین، نمی‌توان در این مجال اندک سخن را درباره تمام فرایندهای معنایی حاکم بر این مجموعه تقریباً ۵۱۰ واژه‌ای به درازا کشاند. اما همان‌طور که در تعریف این زبان گفتیم از اهداف عمده کاربردی این زبان همانا پوشیده نگه داشتن ارتباط زبانی از دیگران است؛ از همین روی، آنچه در این چند خط کوتاه به آن اشاره می‌شود دگرگونی معنایی این واژگان است، که به منظور به‌تعویق انداختن درک مدلول این زبان روی می‌دهد.

همان‌گونه که دیدیم واژگان در زبان مخفی که بر پایه ارتباط زبانی به واسطه زبان فارسی معیار شکل گرفته‌اند، دیگر بر معنای اولیه خود دلالت نمی‌کنند، بلکه بیشتر دال‌هایی‌اند که با توجه به نوع طرح‌واره‌های بکاررفته در تولیدشان یا در نوع به‌کارگیری‌شان، و با توجه به دلالتشان (از نوع ارجاعی) بر پاره‌ای از مفاهیم مجرد، کار ارتباط را برای جوانان آسان‌تر و در نتیجه ارتباط زبانی را مخفی می‌کند. پس دگرگونی معنایی فرایندی است که منجر به تغییر مدلول دالی از پیش موجود می‌شود. برای نمونه، توجهتان را به واژه‌های کُمد، بوق، مَنون، برنامه و مورد ... که برای نامیدن اعضای بدن یا نامیدن اشخاص به‌کار می‌رود، جلب می‌کنیم. در واقع جوانان برای پنهان کردن ارتباط خود، دست به این دگرگونی می‌زنند و کلمه‌ها را در معنای غیر خود یا با تغییر مؤلفه‌های معنایی آن به‌کار برده است.

تا به اینجا کلیه واژه‌های پردازش‌شده قرضی و فرایندهای ساخت‌واژی در زبان مخفی بررسی و در همین بند نیز به دگرگونی معنایی اشاره‌ای گذرا شد. در این زبان علاوه بر تمام موارد یادشده ۱۰۱ عدد تکواژ وجود دارد که یا از پیش در زبان معیار وجود داشته‌اند یا هویت آنها اکنون به طور کامل فارسی شده است. این تکواژها مانند ساخت‌های یادشده پس از دگرگونی معنایی به تنهایی یا در مقام گنجینه واژگانی در فرایندهای ساخت‌سازی به کار رفته‌اند؛ که عبارتند از:

افلاطون، برنامه، بتول، پاستوریزه، پیچ، جریان، مَنون، گوشت، کنه، کلید، دنبه، دَلخ، خیار، خَز، خَر، خالی، خاله، حال، هویج، چوخ، چوب، چپ، جیخ، جمشید، حس، حسن، حساب، آمار، آرد، تیر، تَزج، تاول، پنیر، اسب، شیره، شلغم، شهلا، شیرین، شکلات، دلار، علف، عمه، غَضَنفر، ملخ، مکان، مَغز، مأخذ، معامله، مرگ، محیط، مایه، لیمو، گیر، کفتر، فس (نام آوا)، فک، فوت، چراغ، کره، کتلت، کاکتوس، کچل، کاشی، کلنگ، کُمد، منیجه (دگرگونی واجی)، منیر، مرگ، مورد، فتیر، فنچ، فرچه، بهادر، بوق، بَشَر، بچه، قبول، اقدس، جزیره، اسخف (دگرگونی واجی)، ضایع، سه، سی، سگ، سریش، ستون، ستم، زگیل، زرت، آخر، زاغارت، دولک، کُل، گول، پیه نیرو، نخ، زابل، و هلو^۱.

^۱ - ظاهراً ترجمه قرضی واژه peach در زبان انگلیسی است.

۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا با ارائه فرایندهای ساخت‌واژی در زبان معیار کار آغاز و گرایش غالب فرایندهای ساخت‌واژی و همسویی فرایندهای به‌کار رفته در زبان مخفی با زبان معیار بررسی شد. بر اساس نتایج تحقیق می‌توان فرایندهای ساخت‌واژی را در زبان مخفی به دو دسته تقسیم کرد:

۷-۱- فرایندهای همسو با فرایندهای ساخت‌واژی در فارسی معیار

۷-۱-۱- زایایی فرایندهای به‌کار رفته در ساخت‌واژه واژه‌های غیرفعلی در زبان مخفی به ترتیب فراوانی عبارتند از: ترکیب (۱۱۷)، پردازش واجی (۵۹)، اشتقاق (۵۷)، ابداع (۳۰)، کوتاه‌سازی (۱۷)، سرواژه‌سازی (۷)، دوگان‌سازی (۶)، پسروی (۶)، و پیوند (۱). ترکیب بیشترین کارایی را دارد. اگر همپوشانی اشتقاق و ترکیب نیز به شمار آورده شود، بیش از ۲۵ مورد به شمار فرایندها افزوده می‌شود.

۷-۱-۲- شمار واژگان قرضی پردازش‌شده به ۵۷ واژه می‌رسد و ۱۰۲ بار در فرایندهای ساخت‌واژی به‌کار رفته‌اند.

۷-۱-۳- فرایندهای به‌کار رفته در ساخت‌واژه‌های فعل‌ها در این گونه زبانی به ترتیب فراوانی عبارتند از فعل مرکب (۱۱۰)، ترکیب نحوی (۱۱)، گروه فعلی (۹)، و فعل‌های بسیط (۶).
۷-۱-۴- صد و یک تکواژ که مانند سایر واژگان و اصطلاح‌های بررسی‌شده پس از دگرگونی معنایی در زبان مخفی به‌کار می‌روند.

۷-۲- فرایندهای ناهمسو با فرایندهای ساخت‌واژی در فارسی معیار

۷-۲-۱- از آنجا که بنظر می‌رسد جابه‌جایی واجی آگاهانه و به دلایل برون زبانی انجام گرفته است، بنابراین به فرایندهای اصلی ساخت‌واژی در زبان مخفی افزوده می‌شود.
۷-۲-۲- استفاده از ساخت‌واژه زبان عربی در زبان مخفی، با وجود اینکه بیشتر از دو نمونه وجود نداشت، موردی بود که از آن در مقام زنگ هشدار برای برنامه‌ریزان زبان فارسی یاد شد.

۷-۲-۳- در اشتقاق دیدیم علاوه بر وندهای رایج در زبان فارسی، وندهای سترون - ال و - اول و وندهایی که در زبان فارسی پیشینه‌ای ندارند مانند - اِکس نیز کارایی دارند.
۷-۲-۴- در تحقیق برای واژه «اوش ترمز» که از نظام هجایی زبان فارسی پیروی نمی‌کند، فرایند ساخت‌واژی تعیین نشد.

به اعتقاد نجفی «در زبان عامیانه، مردم به راحتی برای نیازهایشان معادل می‌یابند». بی‌تردید می‌توان این نکته را برای زبان مخفی نیز گسترد.

منابع

- آیتو، جان (۱۳۸۵). فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی. ترجمه حمید کاشانیان، تهران: انتشارات معین و فرهنگ نشر نو.
- احمد خانی، محمد رضا (۱۳۸۷). «بررسی جابه‌جایی واجی در زبان ایرانی میانه و ایرانی جدید (از دیدگاه هم‌زمانی، تاریخی و نظریهٔ بهینگی)». فصلنامهٔ ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۱۲ سال ۴، صص ۱۱-۳۰.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- ----- (۱۳۸۳). فرهنگ کنایات سخن. تهران: انتشارات سخن.
- اگرادی، ویلیام و مایکل دابروولسکی و مارک آرنف (۱۳۸۴). درآمدی بر زیان‌شناسی معاصر ج ۱. دکتر علی درزی، تهران: انتشارات سمت.
- بابازاده، محمود (۱۳۸۵). فرایندهای ساخت‌وازی در زبان‌های فارسی و انگلیسی. پایان‌نامهٔ کاشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به راهنمایی دکتر مهدی سمائی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۸۵). زبان و تفکر. تهران: مؤسسهٔ انتشارات سخن.
- بلوم‌فیلد، لئونارد (۱۳۷۹). زبان. دکتر علی محمد حق‌شناس: تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۳). آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۴). آواشناسی. تهران: آگاه.
- سمائی، مهدی (۱۳۸۴). «روش‌های ساخت‌وازی در زبان مخفی»، مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی و اصطلاح‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی. به تلاش علی کافی، دورهٔ دوم/ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴، از صفحهٔ ۳۸۷ تا صفحهٔ ۳۹۲.
- سمائی، مهدی (۱۳۸۲). فرهنگ لغات زبان مخفی. تهران: نشر مرکز.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۷). میانی صرف. تهران: انتشارات سمت.
- صدری افشار، غلامحسین و نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی امروز. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- طباطبائی، علالدین (آذر ۱۳۸۴). «بررسی فرایندهای ساخت‌وازی عامیانه». نامهٔ فرهنگستان، دورهٔ هفتم/۱۳۸۴، صص ۱۹۱-۲۰۱.
- فرشیدور، خسرو (۱۳۸۶). فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی همراه گفتارهایی دربارهٔ زبان فارسی. تهران: انتشارات زوآر.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۰). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لوح فشردهٔ فرهنگ لغت دهخدا. دهخدا (۲۰۰۶). روایت سوم، تهران: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی و زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- (۱۳۸۷) «زبان فارسی، سترون یا زایا؟» نشست علمی، پنجم مرداد
- Arlotto, A. (1972). *Introduction to Historical Linguistics*. Boston: Houghton Mifflin.
 - Contemporary English Dictionary (1995). Third edition, Great Britain: Longman publication.
 - Falk, Julia S. (1978). *Linguistics and Language*. United States of America: John Wiley and Sons, Inc.
 - Hartman, R and F. Stork (1972). *Dictionary of Language and Linguistics*. London: Applied Science Publishers.
 - Haspelmath, Martin, (2002). *Understanding Morphology*. London: Arnold
 - Haugen, E. (1950). *the Analysis of Linguistic Borrowing*. the Ecology of Language, Essays by E. Haugen. Ed. A. Dil, pp 79- 109.
 - Heath, J. (1994). *Borrowing*. ELL: 383- 94.
 - Hudson, Grover (2000). *Essential Introductory Linguistics*. first edition, Michigan state university: Blackwell publishers.
 - Hudson, R.A. (1996). *Sociolinguistics*. Second edition, Great Britain: Cambridge University Press.
 - Katamba, Francis and John Stonham, (2006). *Morphology*. second edition, New York: Palgrave MacMillan.
 - Lyons, John (1990). *Language and Linguistics*. New York: Cambridge University Press.
 - Merriam-Webster's Collegiate Dictionary (1998). Tenth edition, United States of America, Cleveland, Ohio: Wiley publishing, Inc.
 - The New Shorter Oxford English Dictionary (1993). Third edition, united state of America: Oxford.
 - Richards, C. Jack and Richard Schmidt (2002). Third edition. *Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. Malaysia: Longman.
 - Trask, Robert Lawrence (2003). *Historical Linguistics*. London: Arnold.
 - Yule, George (2006). *the Study of Language*. third edition, New York: Cambridge University Press.